

علائم صیغ فعل مضارع بطور مشروح :  
اما شش صیغه غایب و غایبه :

- ۱ - مفرد مذکر غایب : ضمه در حرف آخر دارد ، ۲ - تثنیه مذکر غائب :
- الف و نون ( ان ) در آخر دارد ۳ - جمع مذکر غایب : و او و نون ( ون ) در
- آخر دارد ۴ - مفرد مؤنث غایبه : نیز ضمه در آخر دارد ۵ - تثنیه مؤنث غایبه :
- بیز الف و نون ( ان ) در آخر دارد ۶ - جمع مؤنث غایبه : نون ( ن ) ما قبل ساکن
- در آخر دارد .

و اما شش صیغه حاضر و حاضره :

- ۱ - مفرد مذکر حاضر : هم ضمه در آخر دارد ۲ - تثنیه مذکر حاضر :
- هم الف و نون ( ان ) در آخر دارد ۳ - جمع مذکر حاضر : هم و او و نون
- ( ون ) در آخر دارد ۴ - مفرد مؤنث حاضره : با و نون ( ی ن ) در آخر دارد
- ۵ - تثنیه مؤنث حاضره : هم - الف و نون ( ان ) در آخر دارد ۶ - جمع مؤنث
- حاضره : هم - نون ( ن ) مفتوحه ما قبل ساکن دارد .

و اما دو صیغه متکلم :

- ۱ - متکلم و حده ۲ - متکلم مع الغیر : هم آخر هر دو مضموم است
- [ تثنیه ] حرکت آخر پنج صیغه ( ۱ ) مفرد مذکر غایب ۲ - مفرد مؤنث
- مغایبه ۳ - مفرد مذکر مخاطب ۴ - متکلم و حده ۵ - متکلم مع الغیر ( یکی است
- همچنان علامت هر چهار تثنیه یکسان است و همچنان دو جمع مذکر : يك علامت
- دو جمع مؤنث نیز يك علامت دارند .

بنا بر این فقط يك صیغه ( مفرد مؤنث حاضره ) دارای علامت اختصاصی است .  
اکنون هنگام آن رسیده که صیغ افعال هفتگانه ( ۱ - ماضی ۲ - مستقبل ۳ - جحد

۴ - نفی ۵ - امر ۶ - نهی ۷ - استفهام ) را بترتیب بیان نمائیم

۱ - صیغ فعل ماضی

( غایب - حاضر - متکلم )

۱ - شش صیغه غایب و غایبه =

ضرب ضربا ضربوا = ضربت ضربتا ضربین

۲ - شش صیغه حاضر و حاضره =

ضربت ضربتما ضربتم - ضربت ضربتما ضربتین

۳ - دو صیغه متکلم =

ضربت ضربنا .

۲ - صیغ فعل مستقبل

(غایب - حاضر - متکلم)

۱ - شش صیغه غایب و غایبه =

یضرب یضربان یضربون - تضرب تضربان تضربین

۲ - شش صیغه حاضر و حاضره =

تضرب تضربان تضربون - تضربین تضربان تضربین

۳ - دو صیغه متکلم =

تبره ۱ - فعل مستقبل را از اینجهت مضارع گویند که از حیث اعراب (معرب

بودن) شباهت به اسم دارد (زیرا مضارع یعنی مشابه) اینک لازم است برای

توضیح مطلب مختصری از قسمتی از مقررات علم نحو را ذکر بنمائیم = چنانکه در

علم نحو مقرر است = اصل در حرف این است که مبنی باشد یعنی قبول اعراب

(رفع و نصب و جر) نماید و اصل در اسم معرب بودن است از اینجهت است که

ضمایر و اسماء اشاره را با آنکه اعراب آنها مخفی است (بصرف آنکه لفظ آنها

معرب نیست) بعضی آنها را حروف و برخی ملحق بحروف خوانده اند. اصل در

فعل هم (مانند حرف) مبنی بودن است (اقسام بنا فتح و کسر و ضم و سکون

میباشد) لیکن فعل مضارع و ملحقات آن (که نفی و استفهام باشد) بر خلاف اصل

معرب میباشند (باستثنای دو صیغه جمع مؤنث)

با این فرق که فعل مضارع در حال تجرد (که عامل بر سرش داخل نگردیده)

همیشه مرفوع میباشد (لیکن پس از دخول عامل نصب منصوب میگردد)

اکنون مناسب است که برای معرفی علائم رفع - مطالبیرا که در پایان علائم

فعل مضارع (بعنوان تشبیه) ذکر نموده ایم در اینجا اعاده کنیم: